

نوشته: دکتر حمید بهزادی

مطالعه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی

مقدمه - ازدوران قدیم ملت‌ها با یکدیگر روابط سیاسی داشته و برای تحصیل مقاصد و اهداف ملی خود بناچار با کشورهای هم‌جوار و دور نوعی تماس، اعم از «همکاری» یا «ناسازگاری» برقرار مینمودند ولی کمیت و کیفیت روابط کشورها و اهداف خارجی آنها کاملاً محدود و ساده بوده است.

کشورها تا قرن هیجده (باستثناء امپراطوری‌های اسکندر، روم و اسلام) معمولاً دارای مقاصد کوتاه مدت از قبیل کسب بازار و ایجاد روابط تجاری و توسعه نفوذ شخصی و قدرت‌نمایی بودند و وسیله مهم در راه تحصیل اهداف مزبور «جنگ» و توسل بزور بوده است. «دیپلماسی» نیز نقش مهمی در رفع اختلافات داشته است. در مطالعه تاریخ یونان قدیم - بویژه تاریخ دوره شهر - کشوری^۲ (سیتیه) به

۱- گرچه اختلاف مختصری بین International Relations

Foreign Affairs, Foreign Policy, International Politics, وجود دارد ولی چنانکه در انگلیسی واژه‌های مزبور بجای یکدیگر استعمال میگردد، در این نوشته نیز همه آنها یک معنی استعمال شده و مقصود از روابط بین‌الملل، سیاست بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها، و روابط خارجی یک چیز است.

۲- شهر - کشوری ترجمه City - State است که غالباً در فارسی به دولت - شهری بیان شده است ولی بنظر میرسد که شهر - کشوری ترجمه بهتر و گویاتری باشد زیرا مقصود از City - State واحد های کوچکی در یونان قدیم (و در ایتالیای قرون وسطی) بود که نقش کشور، (نظیر کشورها در زمان حاضر) را ایفا میکردند ولی چون بسیار کوچک بوده‌اند (مثل شهرهای امروزه) آنها را بنام City - State یعنی شهری که در واقع کشور بوده، مینامیدند.

«قراردادها» و «اتحادیه‌های»^۱ برخورد می‌کنیم که دلالت دارند برآنکه نوعی از سیستم بین‌المللی ساده از روزگاران قدیم در صحنه جهان وجود داشته است ولی روابط بین‌الملل بشکلی که امروز مورد نظر دانشمندان است از وقتی پایه‌های اساسی آن ریخته شد که سیستم کشوری در اروپا بعد از قرارداد ۱۶۴۸ «وستفالیای» (Westphalia) شروع و با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ تکمیل یافت چه آنکه علم روابط بین‌الملل مبتنی است بر دواصل اساسی که وجود کشورهای مستقل مختلف و تساوی این کشورها در صحنه بین‌المللی باشد.

بخش یکم - تعریف روابط بین‌الملل

از قرن هیجده تا قبل از جنگ جهانی دوم آنچه عنوان روابط بین‌الملل بخود گرفته بود در واقع مجموعه نوشته‌های دیپلمات‌ها و نظامیان، توضیح وقایع مهم عصر حاضر، قراردادها و اتحادیه‌ها بین دولت‌های اروپائی، قوانین و وظائف کشورهای بیطرف، حقوق اسیران جنگی و تجزیه و تحلیل کنفرانس‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و وظائف ارکان آنها بود. دیپلماسی» و سیستم «توازن قوا» نیز فصل مهمی از مباحث روابط بین‌الملل را بخود اختصاص داده بود.

ظهور و نمو ناسیونالیسم، پیدائی ایدئولوژی‌های متضاد و سیستم‌های سیاسی و اقتصادی مختلف، استقلال کشورهای آسیائی، آفریقائی و خاورمیانه، کوچک شدن دنیا با توسعه وسائل ارتباطی، ظهور سلاح‌های اتمی و توسعه اسلحه قاره پیمای، خطر دائمی جنگ اتمی، ترقیات اونیورسالیسم و تعدد و تنوع سازمان‌های بین‌المللی، و بالاخره ظهور جنگ سرد، اساس قبلی روابط بین‌الملل را درهم کوبید و پایه جدید و روش تازه‌ای را در مطالعه روابط بین‌الملل بوجود آورد. اکنون دانشمندان بین‌الملل سعی دارند که عوامل وزیر بناهای اساسی و عمومی رفتار کشورها را در صحنه بین‌المللی

۱- در حدود قرن پنجم سازمانهای سیاسی نظیر کنفدراسیون‌های آرکادی، بوئسی،

کورنت، و آتن در یونان پدیدار شدند.

دریافته و طرق همکاری و ناسازگاری بین دولت‌ها، یعنی سیستم‌های بین‌المللی را تشریح و توضیح نمایند. با این دید و زمینه است که ما مباحث خود را شروع می‌کنیم. بنابراین آنچه که گذشت روابط بین‌الملل را بنحویذیل میتوان تعریف کرد:

دیسپلین روابط بین‌الملل مربوط است به مطالعه عوامل و رفتارهایی (سیستمها) که سیاست خارجی و قدرت واحدهای اصلی بین‌المللی را که جهان به آنها تقسیم شده تحت تأثیر قرار می‌دهند.^۱

مقصود از عوامل Factors مجموعه پدیده‌ها و خصوصیات است که بر واحدهای بین‌المللی روی داده و بعنوان محرک‌های اصلی و دیربناهای روابط دیپلماتیک در اعصار مختلف تاریخ بشمار آمده است. پدیده‌های ذیل از قرن نوزدهم به بعد بعنوان عوامل مؤثر در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها ذکر گردیده است:

۱- کتاب **Contemporary theory in International relations** تألیف -

Hoffman, S. نیوجرسی : Prentice - Hall سال ۱۹۶۰ صفحه ۶.

ملاحظه : ۱- مقصود از واحدهای بین‌المللی، که در تعریف روابط بین‌الملل آمده است، کشورها است که موضوع روابط بین‌الملل و سیاست خارجی میباشد.

۲- روابط بین‌الملل اصولاً شامل سیاست خارجی کشورها، سازمانهای بین‌المللی، سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل و سازمانهای ناحیه‌ای، سیستم‌های بین‌المللی، مسائل استراتژی و مطالعه تطبیقی حکومت‌ها و گروههای ذینفوذ بین‌المللی میگردد ولی چون مطالعه تمام حکومت‌های جهان تقریباً ابری است غیرممکن، امروزه سعی مراکز بین‌المللی در این است که سیاست خارجی کشورها و مطالعه تطبیقی حکومت‌ها را تحت مطالعه ناحیه‌ای درآورده و دانشجویان را به مطالعه تخصصی در یکی از نواحی اصلی جهان (اروپای غربی، آمریکای لاتین، کشورهای خاورمیانه، کشورهای سوسیالیستی و اروپای شرقی، ناحیه آسیا و سیاست خارجی کشورهای بزرگ) ترغیب نمایند.*

۳- برای آگاهی بیشتر راجع به مسائل و موضوعات مورد بحث در روابط بین‌الملل و همچنین

تقسیم‌بندی رشته‌های مختلف آن رجوع شود به بخش چهارم این مقاله.

* کتاب **Internatipnal Politics** تألیف J. Prankel، لندن: چاپ Prentice - Hall،

- ۱- ناسیونالیسم
 - ۲- ایده‌نولوژی‌های مختلف و متضاد.
 - ۳- تکنولوژی و ظهور سلاح‌های اتمی و توسعه اسلحه قاره پیما.
 - ۴- وجود خطر دائمی جنگ اتمی.
 - ۵- پدیده جنگ تام.
 - ۶- اتکاء اقتصادی ملت‌ها و عدم تعادل بین آنها.
 - ۷- کوچک شدن دنیا بعلمت پیشرفتهای خارق‌العاده و سائل ارتباطی.
 - ۸- تضاد سریع و فوق‌العاده جمعیت - بویژه در جهان سوم.
 - ۹- امپریالیسم و ضدامپریالیسم.
- ۱- افزایش کشورهای مستقل بعد از جنگ جهانی دوم و عدم برابری آنها.
 - ۱۱- پدیده جهان سوم و انتظار بالارفتن سطح زندگی بین اینگونه کشورها.
 - ۱۲- ترقیات انترناسیونالیسم و اونیورسالیسم.
 - ۱۳- تعدد و تنوع سازمان‌های بین‌المللی.
 - ۱۴- ظهور جنگ سرد و بهم خوردن تفاهم و همکاری بین‌المللی بین دول بزرگ (تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب).
 - ۱۵- وجود سیستم «توازن ترس».
- پدیده‌های فوق‌الذکر عواملی هستند که رفتار و اعمال کشورها و همچنین سیستمها و سازمان‌های بین‌المللی و ناحیه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و نحوه خاصی از سیستم بین‌المللی و رفتار دیپلماتیک را در صحنه بین‌المللی ایجاد میکنند.
- از توضیح عوامل، مفهوم تحلیلی «رفتارها» Activities روشن میگردد زیرا باید گفت که سیستم‌ها و طرق برقراری روابط بین‌المللی و تشکیل سازمانهای بین‌المللی و
-
- ۱- درنشریه شماره چهارم و پنجم تأثیر بعضی از این عوامل بر روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشور مورد بررسی قرار گرفت.

ناحیه‌ای، انعقاد قراردادهای چندجانبه و یا دوجانبه و کمکهای اقتصادی، ایجاد پایگاههای نظامی در کشورهای دیگر و مداخله نظامی در امور داخلی مسالک «منطقه نفوذ»، همه رفتارها و اعمالی هستند که زائیده و معلول اصل اول یعنی عوامل وزیر بناهای سیاست بین الملل میباشند^۱.

برای روشن شدن مباحث فوق میتوان پدیده ناسیونالیسم Nationalism را در خاورمیانه بعنوان عامل ذکر نمود که موجب رفتارها و رویدادهای گوناگونی در این منطقه گشته و میگردد. انقلاب ۱۹۵۲ مصر، خروج قوای انگلیس از کانال سوئز در سال ۱۹۵۴ و ملی کردن کانال سوئز در سال ۱۹۵۶، انقلاب ۱۹۵۸ عراق و شکست پیمان بغداد بین اعراب، اتحاد مصر و سوریه در سال ۱۹۵۸ و انحلال آن در سال ۱۹۶۱، اعلام دکتترین آیزنهاور و پیاده کردن قوا در لبنان در سال ۱۹۵۸ و انتخاب سیاست «بیطرفی مثبت» بویژه از طرف دولت مصر و کودتاهای متعدد در سوریه و عراق، انقلاب یمن و استقلال یمن جنوبی، کودتای ۱۹۶۹ لیبی و خلاصه استقلال کشورهای آفریقای شمالی و دیگر کشورهای عربی خاورمیانه، همه رفتارها و رویدادهای بین المللی هستند که ریشه آنها را باید کم و بیش در عامل ناسیونالیسم عربی جست. جنگهای سه گانه اعراب و اسرائیل (۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷) و منازعات تقریباً دائمی مرزی و جنگهای چریکی کماندوهای فلسطین و سایر اعراب با اسرائیل، رفتارها و رویدادهائی میباشند که از عوامل ناسیونالیستی اعراب و صهیونیستی اسرائیل سرچشمه گرفته اند.

۱- ملاحظه : ۱- عوامل وزیر بناهای روابط بین الملل اسوری هستند که دائماً در حال تکوین و تغییر بوده و در زمانهای مختلف متفاوت و غیریکسان میباشند و از این جهت است که نوع روابط بین دول بعد از جنگ جهانی دوم با قبل از جنگ فرق فاحشی کرده و روابط و رفتارهای بین المللی دول بزرگ جهان بایکدیگر و «جهان سوم» با دابلوک شرق و غرب و حتی بایکدیگر دگرگونیهای زیادی بخود دیده است.

۲- یک پدیده ممکن است از جهتی عامل و از جهتی دیگر رفتار بین المللی باشد مثل سازمان ملل و ناصریسم.

دگرگونی‌هایی که در روابط خارجی ایران بعد از «انقلاب سفید» ششم بهمن ۱۳۴۱ مشاهده میشود (از قبیل نزدیکی سیاسی و برقراری روابط تجاری با دول - کمونیست) زائیده و معلول عامل ناسیونالیسم ایرانی است.^۱

Herz متخصص روابط بین الملل و سیاست خارجی اظهار میدارد که اساس علم روابط بین الملل مطالعه و شناخت عوامل عمومی و ویژگی‌های اصلی -Structures- واحدهای بین الملل و آگاهی برواکنشها و طرق -Systems- مخصوصی است که کشورها روابط دیپلماتیک بین خود را تنظیم می نمایند.^۲

Lerche ، محقق بنام آمریکائی در سیاست خارجی ، «سیستم بین المللی» را (مشابه تعریف Herz از سیستم) مجموعه نظریات و روش‌هایی میداند که روابط کشورهای جهان بدانها تنظیم میگردد. او میگوید:

۱- ملاحظه: تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران ، ملهم از انقلاب سفید ، فصل جدیدی را در روابط بین المللی آغاز نموده اند که «سیاست مستقل ملی» لقب گرفته است. اصول سیاست مستقل ملی بقرار ذیل است:

اتکاء با اصول معنویت .

همزیستی بین ملل .

حفظ حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی .

وابستگی سرنوشت کشورها و ملل جهان بیکدیگر و حفظ و حمایت از صلح .

سازمان ملل متحد بعنوان بزرگترین مرجع همکاری درجهان .

ارتفاع حقوق بشر*

*- برای توضیح و تفصیل بیشتر رجوع شود به گزارش سالیانه وزارت امور خارجه زیر

عنوان روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۷ (چاپ کیهان، فروردین سال ۱۳۴۸) صفحات

۰۱۷-۲۰

۲- کتاب: Herz, J. **International Politics in the Atomic Age.** تألیف

نیویورک: چاپ دانشگاه کلمبیا ، سال ۱۹۶۲ صفحات ۱۲-۵۰

By «International System» we mean the assumptions and procedures that govern the relations between the Nation - States of the world.^۱

تعریف Hrez از روابط بین الملل و عوامل و سیستمها تعریفی است جامع و مانع که امروزه مورد قبول اکثریت قریب باتفاق متخصصین روابط خارجی قرار گرفته است. تعریف و برداشت مزبور از روابط بین الملل و سیاست خارجی مبنای کار و اساس این مقاله را تشکیل میدهد.

بخش دوم - تحولات مطالعه روابط بین الملل

نویسندگان بین المللی در اعصار قدیم بیشتر کوشش خود را صرف ارائه طرق و توصیه های عملی به سازندگان سیاست (Policy Makers) خارجی می نمودند. برای مثال میتوان نوشته های فیلسوف چینی Mencius (قرن چهارم قبل از میلاد) و Kulilyس نخست وزیر امپراطوری هند (326 - 298 B. C.) و همچنین Machiavelli و سایر دانشمندان را ذکر نمود.

ماکیاولی در قرن شانزدهم در کتاب Prince بصراحت دخالت اخلاق و مذهب را در امور کشوری غیر منطقی دانسته و به حکام توصیه میکند که بهر وسیله ممکن باید «منافع کشور» را تحصیل و حفظ نمایند. ماکیاولی برای موفقیت «حیله و نیرنگ» را تجویز کرده و توصیه میکند که «اگر بشما دروغ گفتند شما بیشتر با آنها دروغ بگوئید» و اگر اوضاع و شرایط تغییر کرد، «شهریار مجاز است که بعهده خود «وفا» نکند. بگذار شهریار این مطلب را همیشه در ذهن خود جای دهد که حفظ «خود» و «کشورش» از ضروری ترین اعمال است و هر وسیله ای که به تحصیل هدف مزبور کمک کند در جهان شرافتمندانه است. ماکیاولی عقیده دارد که تصرف اراضی مجاز است و کشور باید خود را برای «توسعه طلبی» آماده کند.

۱- کتاب America in World Affairs تألیف Lerche, Ch. نیویورک: چاپ

در قرن هفده بیکن (Francis Bacon) از انگلستان کشورها را به تقویت ارتش، توسعه طلبی و عملیات جنگی تشویق میکند. او عقیده دارد که جنگ، چون ورزش برای بدن، جهت نیرومندی کشور لازم بوده و موجب تقویت ارتش می‌گردد.

هیوم (David Hume) در قرن هیجده کشورها را بحذف موانع تجارت خارجی دعوت می‌نماید. دانشمند سزبور عقیده دارد که تجارت آزاد موجب ازدیاد قدرت و ثروت کشورهای می‌گردد و بدین طریق همکاری بین کشورها بهتر تحصیل خواهد شد. روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) عقیده دارد که «ظلم» و «جنگ» بزرگترین طاعون بشریت است ولسی جنگ برای کسب آزادی نه فقط جنگی است مشروع بلکه یک «وظیفه مقدس» می‌باشد.

هدف این نویسندگان تجزیه و تحلیل علل رفتار کشورها یا عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری و چگونگی آن نبوده است بلکه مقصود آنها ارائه بهترین طرق برای تحصیل امنیت و منافع کشور بوده است.

در قرن هیجده و نوزده در اروپا، خاطرات سیاسی و تجارب دیپلمات‌ها و نظریات نظامیان، بویژه در امور استراتژی، و نوشته‌های مربوط به حقوق بین‌الملل اساس و بنیان موضوعات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها را تشکیل میداد. در این دو قرن تعداد کمی از نویسندگان زحمت تجزیه و تحلیل عوامل و زیر بناهای روابط خارجی کشورها یا مطالعه تحقیقی سیستم‌های بین‌المللی را بخود میدادند، گرچه بعضی از متفکرین کم‌وبیش از توازن قوا - Balance of Power - بعنوان یک سیستم پذیرفته شده بین‌المللی که عامل مؤثری در حفظ صلح و جلوگیری از جنگ‌های همگانی بین دول بزرگ اروپائی بوده است، صحبت بمیان آورده بودند^۱.

کانت در اوائل قرن نوزده در کتاب Perpetual Peace کشورها را برای بوجود

۱- بعد از ختم جنگ‌های ناپلئون در قرن نوزده نظریاتی راجع به چگونگی ایجاد نظم و حفظ صلح بین ملتها توسط گروهی از لیبرال‌ها و دانشمندان پیشنهاد گردید که در آینده به تفصیل در این باره صحبت خواهد شد.

آوردن بک جامعه بین‌المللی دعوت نمود. بنظر کانت جامعه بین‌المللی کشورها را از «حالت طبیعی بی‌نظمی» که بین کشورها وجود دارد بیرون آورده و از این راه از جنگ جلوگیری خواهد شد. او همچنین وجود «قوانین بین‌المللی» را برای صلح لازم و ضروری میدانند. کانت بطور خلاصه عقیده دارد صلح فقط در سایه «حکومت جهانی» و «قوانین جهانی» بدست خواهد آمد.

کانت بخلاف ماکیاوولی عقیده دارد که «حسن نیت» و «اصول اخلاقی» هیچوقت نباید نادیده انگاشته شود. ذات بشر خوب است. بتعهدات باید وفادار بود و «حق» و «حقیقت» باید پابرجا و بیوسیلله حکام حفظ و تقویت گردد.

مارکس و انگلس در قرن نوزده منازعات بشر و کشورها را زائیده سیستم اقتصادی دانسته و همه قوانین، سازمانهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی را بزیر بنائی اقتصادی مستند کردند. بنظر دانشمندان مزبور در صحنه بین‌المللی، کشمکش بین کشورها در واقع انعکاسی است از تضاد منافع طبقاتی که بالاخره بحکومت دیکتاتور شیپی پولتاریا منجر خواهد شد و پس از آن یک جامعه بدون کشور در صحنه جهان بوجود میآید. مارکس عقیده دارد اگر بشر باین مرحله از تاریخ برسد دیگر جنگ و ستیز در جهان وجود نخواهد داشت زیرا این مرحله از تاریخ مرحله بدون طبقات است و چون طبقه‌ای وجود ندارد پس اختلاف هم وجود نخواهد داشت. بنابراین اگر بخواهیم در صحنه جهان در صلح و آرامش زندگی کنیم باید شرایط جامعه بین‌المللی بدون طبقاتی (که منجر به حکومت دیکتاتوری کارگری خواهد شد و پس از آن کشور نیز Wither Away)، را فراهم نمود. از همینجا است که نظریه «جنگ مشروع» و «غیر مشروع» درد کترین مارکسیسم بوجود آمده است.^۱

در قرن بیستم، پس از گرفتاری و مداخله آمریکا در سیاست‌های اروپا و آسیا، مطالعه تحلیلی و تحقیقی درباره روابط خارجی کشورها، در آمریکا شروع شد ولی

۱- برای تفصیل بیشتر رجوع شود بکتاب، *The dynamics of international Politics*

تألیف Lincoln Padelford نیویورک: چاپ Macmillan، سال ۱۹۶۷، صفحه ۲۹

نوشته های آمریکائیان (مثل نویسندگان اروپائی) بیشتر مربوط به تشریح و توضیح حقوق بین الملل و قراردادها بود. این عده که بیشتر «انترناسیونالیست» بودند عقیده داشتند با ایجاد سازمان های بین المللی و محاکم داوری، همکاری کشورهای دموکراتیک و قدوین قوانین جنگ و بیطرفی، خلع سلاح و توجه به اخلاق و ارزش های بین المللی جنگ از صحنه بین المللی رخت بر خواهد بست و صلح و امنیت جانشین آن خواهد گردید.

موضوعات فوق الذکر مسائل مهمی بودند که نویسندگان بین المللی بدان توجه داشتند و دانشجویان را به آشنائی با چنین مسائلی ترغیب مینمودند. با تأسیس «جامعه ملل» کتاب های درسی بیشتر راجع به تشریح تصمیمات و توصیه های این سازمان و وظایف ارکان آن بوده و ضمناً تجزیه و تحلیل قراردادها و کنفرانس های بین المللی نیز قسمتی از مباحث بین المللی را تشکیل میداد.

از سال ۱۹۲۰ انستیتوهای بین المللی در سوئیس، انگلستان و آمریکا تأسیس گردید که همه آنها لحن حقوقی و اخلاقی داشت و موضوعات مورد بررسی آنها، جامعه ملل، حقوق بین الملل و تشریح قراردادها و گاهی هم توضیح علل زمینه های بعضی از وقایع مهم بین المللی بود.

بعد از ظهور هیتلر و بی اعتنائی او نسبت به نظم و صلح بین المللی و جانبداری مصرانه او از فلسفه «راسیسم» نویسندگان بین المللی مسائل و موضوعات دیگری را مطرح ساختند و سعی نمودند که مسائل بین المللی را عریان و عاری از ارزش های حقوقی و اخلاقی مورد بحث قرار دهند. این عده بمسائل ذیل توجه بیشتری نموده و اهمیت آنها را بدانشجویان روابط بین الملل توصیه مینمودند:

Objectives	{	Security	۱- امنیت
		Expansionism	۲- توسعه طلبی
Processes	{	Trade	۳- تجارت و مبادله کالا بین دولتها
		Diplomacy	۴- دیپلماسی

Propaganda

۵- تبلیغات

۶- انهدام و واژگون کردن حکومت‌ها از داخل مملکت بوسیله خود افراد ملت ۱

(Subversion)

Basic Forces	{	Nationalism	۷- ناسیونالیسم
		Geography	۸- وضع جغرافیائی
		power	۹- قدرت

این گروه از نویسندگان همچنین سعی می‌نمودند که دانشجویان سیاست خارجی کشورها را به اهمیت ارزش‌های از قبیل سرز و خاک، امنیت و قدرت و نیز ایجاد تئوری‌های بین‌المللی و انتزاع قوانین عمومی در روابط خارجی کشورها و عواملی که در تصمیم‌گیری دولت‌ها دخالت دارند آگاه ساخته و ضمناً آنها را ترغیب می‌نمودند که خود از وقایع مهم سیاسی و مسائل فوق‌الذکر عقاید و نظریاتی بدست آورند تا جایی که قادر باشند توصیه‌ها و پیشنهادات مفیدی برای مقابله با مسائل زمان و عصر خود به سیاستمداران و سازندگان سیاست خارجی ارائه نمایند.

بعد از جنگ جهانی دوم، که خطر توسعه کمونیستی اروپا و آمریکا را تهدید می‌کرد، پدیده‌های از قبیل جنگ سرد، سلاح‌های اتمی، بوجود آمدن کشور‌های جدید در صحنه بین‌المللی و نضج و شدت گرفتن ناسیونالیسم (بعنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل و زیربنای روابط بین‌الملل) دانشمندان سیاست خارجی را به فکر انداخت که اصول و نظریاتی کلی برای پیش‌بینی و چاره‌اندیشی حوادث بین‌المللی اتخاذ نمایند.

در این دوره بود که صحبت از علم روابط بین‌الملل (Science of International Politics)

به میان آمد و دانشمندان سعی نمودند که علم روابط بین‌الملل را از مرحله توصیه به سیاستمداران و لحن حقوقی و اخلاقی یا تشریح وقایع مهم بین‌المللی و توضیح سازمانها و مسائل بین‌المللی‌رهای بخشیده و به تحقیق درباره مسائل نظری و تئوری‌های

که بتواند با پیش‌بینی حوادث راه حل آنها را نیز عرضه دارد پردازند. در این موقع بود که تحقیق -Research- درباره عوامل و پدیده‌های مؤثر در روابط بین‌الملل و همچنین مطالعه تخصصی در زمینه سیاست خارجی نواحی مختلف جهان شروع و مکتب «رنالیسم» که برای «قدرت» و «امنیت» نقش اساسی و سازنده‌ای را در روابط خارجی کشورهای تعیین می‌کرد، تقریباً مورد قبول اکثر دانشمندان بین‌المللی و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی قرار گرفت.

بخش سوم - برداشتهای مختلف در مطالعه روابط بین‌الملل

از مباحث گذشته چنین مستفاد میشود که روابط بین‌الملل تحولات مختلفی را دیده و پدیده‌های گوناگونی مورد مطالعه قرار گرفته است.

بنابراین مسئله مهم در مطالعه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها این خواهد بود که مسائل و موضوعات مربوط به این علم را باید از چه نقطه نظر مورد بررسی قرارداد و بر چه مسائلی بیشتر تکیه کرد.

بعضی از دانشمندان روابط بین‌الملل عقیده دارند که در مطالعه روابط بین‌الملل پنج دید و برداشت مخفف ذیل موجود است:

- ۱- برداشت تاریخی
- ۲- برداشت سیستماتیک
- ۳- برداشت فلسفی
- ۴- برداشت علم خط مشی
- ۵- برداشت التقاطی (انتخاب بعضی از مسائل مهم)

برداشت تاریخی: مطالعه روابط بین‌الملل با دید تاریخی یک برداشت قدیمی در تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها بشمار آمده است. در این برداشت دانشمندان سعی می‌کنند که با در نظر گرفتن عوامل زمان، مکان و موضوع

خاص از سیاست خارجی کشورها قوانین و ضوابط کلی استنتاج نموده و در دسترس دانشجویان این فن بگذارند. در دید تاریخی مثلاً سیاست خارجی آلمان با توجه به کشورلهاستان در سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۹ مورد بررسی قرار میگیرد و آنگاه از آن قانون کلی استنباط کرده و بموارد مشابه اعمال مینمایند.

مطالعه تاریخ دیپلماسی فوائد مهمی را دربر دارد: این برداشت روشن گر «تغییراتی» است که در صحنه بین المللی درباره اصول و سیستم های بین المللی روی داده است. با مطالعه تاریخ دیپلماسی نقش مهم «دیپلماسی» و دیپلماتهای مجرب، سیستم - توازن قوا و سیستم کشوری در اروپا و نقش کشورهای بزرگ اروپائی بعنوان بازیگران اصلی نمایشنامه سیاست خارجی در قاره اروپا آشکار میگردد. (بخصوص با توجه به تغییراتی که بعد از جنگ جهانی دوم در سیستم بین المللی و نقش دیپلماسی، دیپلماتها و اهمیت سایر کشورها در صحنه جهان بوجود آمده مطالعه تاریخ دیپلماسی، حائز اهمیت است).

مطالعه تاریخ دیپلماسی همچنین روشن گر «تحولات» علم روابط بین الملل است.

با مطالعه تاریخ دیپلماسی مطابقت اعمال و رفتار ملت ها نسبت به اصول و اهداف اعلام شده در سیاست خارجی معلوم میگردد. چگونگی تصمیم گیری و مراحل آن در کشورهای مختلف و همچنین اینکه چگونه ملتها در سیاست خارجی موفق بوده یا شکست خورده اند، نیز با مطالعه تاریخ دیپلماسی روشن می شود.

اشکال اساسی در برداشت تاریخی مطالعه سیاست خارجی کشورها این است که تاریخ هیچگاه نمی تواند سیاستمداران را درباره شرایط و عوامل جدید و اوضاع و احوال پیش بینی نشده که مؤثر در تصمیم گیری نسبت به مسائل خارجی می باشند، کمک نماید.

برداشت سیستماتیک: در برداشت سیستماتیک سعی دانشمندان بر این است که مسائل و موضوعات روابط بین الملل را با توجه به سیستم های بین المللی دنبال کنند.

بنظر گروه مزبور سیستم‌های «توازن قوا، دیپلوکسی»، سیستم امپراطوری و «جهانی» میباید اساس مطالعه و شالوده‌کار دانشمندان بین‌المللی را تشکیل دهد و مطالعه مسائل خارجی کشورها باید در چهارچوب سیستم بین‌المللی تعقیب گردد.

نقص دید سیستمی در مطالعه روابط بین‌الملل این است که برداشت مزبور عوامل روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را که موجب فایده و کارآئی سیستم‌های مزبور می‌شوند، بیان نمی‌کند. برداشت سیستمی اطلاعات کافی درباره عواملی که در تصمیم‌گیری مؤثر و در واقع تعیین‌کننده اهداف خارجی می‌باشند، در اختیار تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نمی‌گذارد. برداشت سیستمی جوابگوی مسائل تازه تکنولوژی، جنگ سرد، و پیشرفتهای اقتصادی که در جهان امروز سیاستمداران با آنها روبرو هستند، نمی‌باشد.

برداشت فلسفی: عده‌ای از دانشمندان از قدیم‌الایام کوشش نموده‌اند که علل رفتار ملت‌ها را توضیح و برطبق آن بهترین، مؤثرترین و مفیدترین طرق برقراری روابط بین‌کشورها را توجیه و ارائه دهند. اینگونه نوشته‌ها هدفشان این است که رفتار کشورهای آنگونه که «باید» باشد و بنحوی که تحت استاندارد، نورسها و قوانین عمومی درآید، توجیه نمایند. بنظر این عده از نویسندگان تنها از این راه است که میتوان عملیات کشورهای را در صحنه بین‌المللی توجیه و نظام مطلوب و صلح‌همیشگی را در جهان بوجود آورد.

طرفداران دید فلسفی در مطالعه روابط بین‌الملل اساس کار خود را بر «افکار و ایده‌های فلسفی» که در بار روابط بین‌پرنس‌ها و دولت‌ها نوشته شده و بهترین طرق ایجاد نظم و صلح بین‌المللی را ارائه داده، مبتنی نموده‌اند. پیروان برداشت فلسفی همچنین عقیده دارند که مسائل بین‌المللی باید از نقطه نظر «سیاست قدرت»، اصول «ایده‌آلیسم»، «حقوق بین‌الملل» و «سازمانهای بین‌المللی» دنبال گردد. بعبارت دیگر برداشت فلسفی مکتبی است در مطالعه روابط بین‌الملل که سعی دارد مسائل بین‌المللی را از

نقطه نظر افکار فلسفی (نظیر افکار ماکیاولی)، سیاست قدرت، اصول ایده آلیسم، حقوق بین الملل و سازمانهای بین المللی توجیه نماید.

درآینده درباره هر یک از این نظریات بتفصیل بحث خواهد شد و صحت سقم مبانی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در اینجا بذکر این نکته کفایت میشود که برداشت مزبور نیز ایده و نظریه ای درباره عوامل مؤثر در روابط بین الملل و تعیین کننده منافع ملی و سیاست خارجی ارائه نمیدهد.

برداشت علم خط مشی: عده ای از دانشمندان عقیده دارند که در علم روابط بین الملل و سیاست خارجی باید از تکنیک های علمی متداول در علوم جامعه شناسی، روان شناسی و سیاست شناسی استفاده نمود و از این راه قوانین و نظریات کلی درباره مسائل بین المللی و تصمیم گیری در صحنه بین المللی استنباط و استخراج کرد. چنانکه در علوم اجتماعی (مثلاً) با توجه باوضاع محیط، فرهنگ و سنن و عوامل عاطفی میتوان چگونگی رفتار و اعمال افراد و گروهها را در جامعه درک و با نتیجه پیش بینی کرد، در روابط بین الملل نیز با انتخاب متد مزبور (Behavioral Analysis) میتوان رفتار و اعمال کشورها را در صحنه بین المللی تحت قوانین کلی درآورد و نسبت به مسائل بین المللی «پیش بینی» لازم را بعمل آورد.

پیروان برداشت علم خط مشی به «سیستمهای بین المللی و ناحیه ای، تصمیم گیری و عوامل مؤثر در تعیین سیاست خارجی» و همچنین بچگونگی بروز کشمکش بین دولتها و «طرق موفقیت بازیگران» در جنگ (Game Theory) تأکید زیاد کرده و کوشش می نمایند با توجه بعواملی که در تصمیم گیری مؤثر است و موفقیت در جنگ و ستیزا تضمین میکند و همچنین با در نظر گرفتن عوامل عمومی که در رفتار و اعمال افراد و گروهها و سیستم های بین المللی در صحنه بین المللی مؤثر و کارگرند، رفتار و نحوه عمل و عکس العمل کشورها را در جهان تحت قوانین کلی درآورند. این عده با توجه باصل تابع و متغیر (Variables) میخواهند رفتار و اعمال کشورها را در صحنه بین المللی توجیه و تحت قوانین کلی درآورند.

اشکال اساسی در برداشت علم خط مشی عدم عمومیت و شمول آن بر تمام موضوعات و مسائل بین المللی است گرچه برداشت مزبور موفقیت‌هایی در زمینه افکار عمومی، خصوصیات رهبران و اعمال سیاسی افراد و گروه‌ها کسب کرده است.

برداشت التقاطی: در برداشت التقاطی سعی بر این نیست که تعیین نماید با چه دید و نظریه‌ای باید مطالعه سیاست خارجی کشورها را دنبال کرد بلکه طرفداران برداشت التقاطی عقیده دارند که چون تاکنون روی نظریه واحدی درباره مطالعه روابط بین الملل توافق نشده است، بهتر است که مبنای کار روابط بین الملل را در هر دوره‌ای از تاریخ این علم بر چهار مسئله اساسی ذیل مبتنی کنیم:

- ۱- ساختمان سیاسی جهان.
 - ۲- عوامل عمومی مؤثر در روابط بین کشورها.
 - ۳- روابط بین سیاست داخلی و خارجی.
 - ۴- سیستم‌های موجود بین کشورها.
- بنظر می‌رسد که بهتر است گفته شود مطالعه سیاست خارجی کشورها و روابط بین الملل چهار مرحله اساسی ذیل را طی نموده است:

- ۱- مرحله تاریخی
- ۲- دوره توضیح وقایع مهم عصر حاضر
- ۳- مرحله حقوقی و اخلاقی
- ۴- مرحله تجزیه و تحلیل عوامل و زیر بناهای اعمال کشورها و سیستم‌های

بین المللی

مرحله اول که بیشتر بتاریخ دیپلماسی و نظامی زمانهای قدیم توجه داشت، در انگلستان بیش از سایر نقاط جهان رایج بود. در این دوره توضیح روابط خارجی انگلستان مثلاً با ممالک و امپراطوری‌های دیگر با تشریح قراردادها و خاطرات دیپلماتها، نظامیان و سیاستمداران، مایه‌های اصلی و موضوعات اساسی کتب و نوشته‌های

مربوط به روابط بین الملل را تشکیل میداد. در این دوره مطالعه روابط بین الملل در واقع چیزی جز مطالعه تاریخ دیپلماسی نبوده است.

اشکال اساسی در برداشت تاریخی این بود که نویسندگان، از وقایع تاریخی قواعد کلی استخراج نمی کردند و از این رو سیاستمداران و دانشمندان بین المللی دارای اطلاعات عمیق و اصول کلی نسبت به روابط خارجی کشورها نبودند و از طرف دیگر دانشجویان سیاست خارجی فاقد هر گونه اطلاع تحقیقی و تحلیلی از اوضاع و وقایع بین المللی عصر خود بودند. این نواقص موجب پیدایش مرحله دوم را در روابط بین الملل گردید.

در دوره تشریح وقایع مهم بین المللی زمان حاضر (مرحله دوم)، نویسندگان سیاست خارجی کشورها سعی بر این داشتند که وقایع مهم سیاسی زمان خود را با توجه به علل و شرایط و اوضاعی که موجب پدید آمدن چنین حوادثی گشته تفسیر و توضیح نمایند و بقول Thompson, K.

The Bible for the study of International Relations became the New York Times. ۱

بنابراین وظیفه اساسی معلمان روابط بین الملل در این دوره فقط توضیح وقایع بین المللی مندرج در روزنامه ها و مجلات علمی و نوشته های متفکرین بوده است.

۱- رجوع شود به مقاله Thompson, K. تحت عنوان «The study of Interna-

tional Politics»

در کتاب **The Theory and Practice of International Relations**

نویسندگان Sondermann, F. & Olson, w. نیوجرسی: چاپ دوم و مؤسسه Prentice-Hall

سال ۱۹۶۶ صفحه ۱۰.

ملاحظه: ۱- این قسمت از نوشته از مقاله مزبور استفاده شده است. (صفحات ۱۰-۹).

۲- برای توضیح بیشتر رجوع شود به کتاب **International Politics**.

تألیف: K. Holsti, نیوجرسی: چاپ Prentice-Hall, سال ۱۹۶۷ صفحات ۱۲-۱۰.

عیب و نقص اصلی دیدمزبور در مطالعه روابط بین الملل این بوده است که نویسندگان توجهی به تجارب گذشته سیاسی و وقایع تاریخی نداشته‌اند و لذا نمی‌توانستند قوانین و اصول مبتنی بر حقایق و واقعیات بین المللی را استخراج نموده و در دسترس سیاستمداران و دانشجویان روابط بین الملل بگذارند و از طرفی این برداشت فاقد هرگونه متدولوژی مخصوص بوده و مسائلی که مورد بحث قرار می‌گرفت بسیار وسیع و غیرمرتبط به مسائل بین المللی و سیاست خارجی کشورها بود و چنانکه نویسنده و محقق مزبور اظهار میدارد در این دوره ممکن بود حتی «مسائل المپیک» و سایر وقایع جهانی که ارتباطی به علم روابط بین الملل نداشته و کمکی به سازندگان سیاست خارجی نمی‌نمود، بعنوان مسائل بین المللی مورد بحث و توجه قرار گیرد.

اشکال اساسی دیگر در این دوره این بود که نویسندگان توجهی بعوامل عمومی مؤثر در روابط بین الملل و تصمیم‌گیری نداشته‌اند.

مرحله سوم درست بعد از جنگ جهانی اول شروع و تظاهرات جنگ سرد، سلاحهای اتمی و پیدایش دکترین «محدودیت» - Containment - و نضج گرفتن مکتب رئالیستها ادامه داشت. پیروان این مکتب که به «اینترناسیونالیست‌ها» و «حقوقین» و «اخلاقیون» معروف شده بودند، عقیده داشتند که اساس کار روابط بین الملل باید تشریح قراردادها، توضیح ارکان و وظائف سازمان‌های بین المللی و ناحیه‌ای و وضع قرارداد برای خلع سلاح عمومی و کوشش برای تأمین بهداشت جهانی و ایجاد «ارزش‌های بین المللی» و حقوق بین الملل باشد. گروه مزبور چنین می‌پنداشتند که با توجه باصول فوق و ضمناً با ایجاد یک مجمع و شورا از کشورهای دموکراتیک، صلح بین المللی را تأمین و ملتها در آسایش و راحتی و بدون جنگ و ستیز در صحنه بین المللی، مثل یک خانواده زندگی، خواهند کرد.

تاسون می‌گوید این مکتب سه خصوصیت مشخص داشت که نقش اساسی را در موفقیت‌های ابتدائی و شکست و سستی بنیان افکار آنها سرانجام بازی کرد:

- ۱- خوش بینی زیاد نسبت به انسان و سیستم دموکراسی .
- ۲- اتکاء بیش از حد به سازمانهای بین المللی برای ایجاد صلح در جهان .
- ۳- دخالت اخلاق و ارزش های بین المللی در روابط خارجی کشورها و تأثیر حقوق بین الملل در ایجاد نظم و صلح بین المللی .

دوران چهارم که شالوده اش با ظهور هیتلر و بی اعتنائی^۱ و نسبت به سیستمهای موجود و نظام و صلح جهانی ریخته شده بود ، بعد از جنگ جهانی دوم تکمیل یافت و نویسندگان طرفدار مکتب « رئالیسم » و « سیاست قدرت » جهت مطالعه روابط خارجی کشورها و روابط بین الملل را بطرف تازه و جدیدی سوق داده اند . این عده سیاست بین الملل را مطالعه « عوامل » و « رفتارهای » روابط دیپلماتیک کشورها تعریف نموده و سعی میکنند که « عوامل عمومی » رفتارها و اعمال کشورها را دریافته و طرق کنترل و یا تنظیم اعمال دول یعنی سیستم ها و سازمانهای بین المللی و قراردادها را در صحنه بین الملل ارائه و توضیح و تشریح نمایند^۱ .

بطور خلاصه باید گفت که مطالعه سیاست بین الملل بعد از جنگ جهانی دوم بادیه و نظری تعقیب میشود که دانشمندان مسائل سیاست داخلی چنین برداشتی را از مدت ها قبل شروع کرده بودند . اکنون در علوم سیاسی (اعم از سیاست داخلی و خارجی) توجه دانشمندان بیشتر معطوف است به تجزیه و تحلیل عوامل عمومی که مؤثر در تصمیم گیری و رفتار افراد ، گروهها و کشورها است . بنقش اساسی قدرت و مبانی آن نیز تأکید زیادی شده است . از این روست که اکثر دانشمندان علوم سیاسی سیاست را به « کوشش برای بدست آوردن قدرت » تعریف نموده اند^۲ .

۱- نظریه چهارم و تعریف فوق مورد قبول این نویسنده است که در بخش اول به تفصیل از آن بحث شد .

۲- برای تجزیه و تحلیل بیشتر و صحت و سقم تعریف مزبور رجوع شود به کتاب **International Politics** تألیف van Dyke, v. نیویورک : چاپ دوم Appleton-century crofts

بخش چهارم - موضوعات مورد بحث در روابط بین‌الملل

موضوعی که بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر مورد توجه و تحقیق دانشمندان بین‌المللی و سیاست خارجی کشورها قرار گرفته عبارت است از قدرت و مبانی آن.

مبانی قدرت عبارتند از:

- ۱- وضع جغرافیائی.
 - ۲- منابع طبیعی.
 - ۳- پیشرفت در تکنولوژی و اختراعات.
 - ۴- آمادگی نظامی.
 - ۵- جمعیت.
 - ۶- خلق و خوی ملی.
 - ۷- روحیه ملی.
 - ۸- مهارت نمایندگان سیاسی (دیپلماتها) و کیفیت حکومت.
- اسنیت، جنگ سرد و جنگ بطور کلی با توجه بر ریشه‌های اقتصادی و سیاسی جنگ و طرق تخفیف و جلوگیری از آن نیز از مباحث مهم روابط بین‌المللی است.
- عوامل عمومی که رفتار و اعمال کشورها را در صحنه بین‌المللی کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهند، نیز مورد توجه و تأکید است. این عوامل بطور اختصار بقراردیل است:

- ۱- ناسیونالیسم
- ۲- ایده‌لوژیهای مختلف
- ۳- تکنولوژی و ظهور سلاحهای اتمی و اسلحه قاره پیم
- ۴- خطر دائمی جنگ اتمی
- ۵- پدیده جنگ تام و همه جانبه
- ۶- اتکاء اقتصادی ملتها و عدم تعادل بین آنها

- ۷- کوچک شدن دنیا بعلت پیشرفتهای خارق العاده وسائل ارتباطی
 - ۸- تزايد سریع و فوق العاده جمعیت
 - ۹- امپریالیسم و ضد امپریالیسم
 - ۱۰- افزایش کشورهای مستقل بعد از جنگ جهانی دوم و عدم برابری آنها.
 - ۱۱- ترقیات انترناسیونالیسم و انیورسالیسم
 - ۱۲- جنگ سرد و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب
 - ۱۳- وجود توازن ترس.
- سیستم های بین المللی از قبیل توازن قوا ، بیطرفی ، امنیت دسته جمعی ، توازن ترس و حکومت جهانی ، نیز از موضوعات و مسائل مهمی هستند که مورد توجه دانشجویان روابط بین الملل قرار گرفته اند .
- سازمان ملل و سازمان های تخصصی وابسته به سازمان ملل ، سازمان های ناحیه ای و انواع قراردادهای سیاسی و نظامی نیز از جمله مسائلی هستند که در این علم از آنها گفتگو میشود ولی توضیح و تشریح موضوعات مذکور بیشتر به جهت نقشی است که آنها در ایجاد و حفظ صلح ایفا می کنند .**
- اهداف ملی و تقسیم بندی آنها و همچنین عواملی که در تحصیل اهداف ملی کمک می کنند نیز مورد بررسی می باشد . عوامل مؤثر در تحصیل اهداف و مصالح ملی عبارتند از :

- ۱- تبلیغات
 - ۲- افکار عمومی
 - ۳- کمکهای اقتصادی
 - ۴- دیپلماسی
 - ۵- تهدید و مداخله و توسل بزور
- عوامل محدود کننده رفتار رهبران و تصمیم گیرندگان سیاست خارجی نیز

از جمله مباحث مهم روابط بین الملل است. این عوامل عبارتند از:

۱- شرایط داخلی.

۲- شرایط بین المللی.

۳- حقوق بین الملل و ارزشهای بین المللی.

در بحث سیاست خارجی دانشمندان روابط بین الملل سعی دارند عوامل عمومی را که در تصمیم گیری و تعیین سیاست خارجی مؤثرند ارزیابی نموده و در دسترس دانشجویان این فن و تصمیم گیرندگان سیاست خارجی بگذارند. این عوامل و پدیده‌ها بطور اختصار بقرار ذیل است:

۱- ارزشهای اجتماعی و عادات مردم (خصیصه های ملی)

۲- ارزشها و عقاید و احتیاجات تصمیم گیرندگان

۳- ناسیونالیزم

۴- ایده نولوژی

۵- افکار عمومی

۶- قیاس مسئله ب موارد مشابه قبلی (رجوع بسوابق)

۷- احتیاجات کشور و گروههای ذی فوذا

۸- شخصیت رهبران بزرگ ملی

۹- نوع حکومت

۱۰- موقعیت و نقش کشور در صحنه بین المللی

۱۱- موقعیت قدرت و توانائی کشور (وضع جغرافیائی، پیشرفت اقتصادی

و تکنولوژی کشور و غیره)

۱۲- اوضاع و شرایط بین المللی

در مراکز مهم بین المللی امروزه سعی بر این است که دانشجویان را بعد از آشنائی کامل آنها، در دوره فوق لیسانس، به مسائل عمومی روابط بین الملل و سیاست خارجی کشورها (مسائلی که در بالا بطور اختصار ذکر گردید) به مطالعه تخصصی

دریکی از رشته‌های ذیل تشویق و ترغیب نمایند:

- ۱- روابط بین‌الملل و سیاست خارجی نواحی مختلف جهان از قبیل مطالعات مربوط به کشورهای خاورمیانه، آسیا، آفریقا، بلوک شرق، کشورهای آمریکای لاتین، و دول بزرگ مثل آمریکا، شوروی، یا چین کمونیست.
- ۲- سازمان ملل، سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل، سازمان‌های ناحیه‌ای و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه^۱.

۱- در این قسمت سعی بر این است که این سازمانها از نقطه نظر علوم سیاسی مورد بحث قرار گیرد نه از جهت حقوقی یا تاریخی و همچنین توجه اساسی در این بحث به نقشی است که اینگونه سازمانها در روابط بین‌الملل و مسائل خارجی ایفا می‌کنند.

ملاحظه: ۱- گروهی مطالعات مربوط باستراتژی نظامی را رشته‌ای از دکتری روابط بین‌الملل قلمداد کرده‌اند ولی درباره مطالعه این رشته در روابط بین‌الملل اتفاق نظر کلی موجود نیست و بنظر می‌رسد که این رشته باید در مؤسسات علمی و دانشگاهی ارتش تدریس گردد. و از طرف دیگر استراتژی نظامی را میتوان در مسائل سیاسی و قراردادهای نظامی ادغام نمود.

۲- رشته حقوق بین‌الملل معمولاً در دانشکده حقوق تدریس میگردد و اقتصاد بین‌الملل در دانشکده اقتصاد باید مورد مطالعه قرار گیرد. گرچه در رشته مزبور در بعضی از کشورها در مراکز بین‌المللی تدریس میگردد ولی این رویه بنظر نمی‌رسد که درست باشد زیرا مراکز بین‌المللی مربوط است به مطالعات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها که دوره تخصصی علوم سیاسی است نه حقوق و اقتصاد. و از این روست که کشورهای پیشرفته و بزرگ در **مراکز بین‌المللی** فقط رشته‌هایی را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده و میدهند که در بالا ذکر گردید. باید، بهر حال، توجه داشت که تدریس حقوق بین‌الملل و اقتصاد بین‌الملل از جمله دروس اساسی این رشته بشمار آمده است و بعنوان مواد درسی باید در روابط بین‌الملل تدریس گردد.

بقیه پاورقی در صفحه بعد

روش مطالعه در تمام مسائل ورشته های فوق چنانکه قبلاً نیز اشاره شد مبتنی بر روشی است که به How و Why معروف گشته است. توضیح اینکه دانشمندان بین المللی سعی می کنند که قبل از هر چیز نحوه روابط دیپلماتیک کشورها و سیستم ها و قراردادهای سیاسی و نظامی موجود بین آنها را دریافته و آنگاه علل و ریشه های رفتارهای خارجی، سیستم ها، سازمانهای بین المللی و ناحیه ای موجود را درک و تجزیه و تحلیل نمایند. فی المثل در مطالعه سیاست خارجی و روابط بین المللی کشورهای خاورمیانه کوشش بر اینست که (۱) فهمیده شود روابط بین المللی این کشورها چگونه است و سیستم، سازمانهای موجود، و قراردادهای سیاسی و نظامی این ملت ها چیست (۲) و آنگاه به تجزیه و تحلیل عوامل و ریشه های اصلی رفتارهای دیپلماتیک و تصمیم گیری این کشورها (از قبیل ناسیونالیسم، رشد اقتصادی، آمادگی نظامی، موقعیت جغرافیائی، و مسائل ارتباطی، فرهنگ و تاریخ و نوع حکومت این کشورها مثلاً) علل پیدایش سازمانها و قرارداد های این ناحیه توجه میگردد.

بقیه پاورقی از صفحه قبل

۳- برای تحقیق بیشتر درباره شعبات مختلف علم روابط بین الملل بخصوص رجوع شود بمقاله «The Teaching of international Relations in the U. S.» بقلم Fox, W. T. R/Fox, A. B. O در کتاب Olson و Sondermann صفحات ۸-۶.

ع- از مطالعه مقاله مزبور چنین برمیآید که در بعضی از دانشگاهها سیاست کشورهای در حال توسعه با توجه بعوامل نظامیگری، ناسیونالیسم، ایده نولوژی، فرهنگ و تاریخ، نیز شعبه ای از علم روابط بین الملل است و نی بنظر میرسد که شعبه مزبور را می توان در قسمت سیاست خارجی کشورهای ناحیه ای (قسم اول) ادغام نموده و هر دو را یک شعبه بشمار آورد. برای تحقیق بیشتر درباره تحول و برداشتهای مختلف در مطالعه روابط بین الملل و سیاست خارجی رجوع شود به کتاب ذیل :

International Politics and Foreign Policy

گردآورنده J. Rosenau، نیویورک، Free press، سال ۱۹۶۱، صفحات ۳۰-۵

و همچنین بکتاب **The American Study of International Relations**. نوشته Fox, W. کلمبیا : نشریه شماره مؤسسه مطالعات روابط بین الملل دانشگاه South Carolina، سال ۱۹۶۸

بخش پنجم - هدف اساسی و فایده این درس

قبل از پایان این قسمت لازم است درباره هدف اساسی و علت توسعه و اهمیت این علم مطالبی گفته شود.

مقصود اصلی و فایده مهم علم سیاست خارجی و روابط بین الملل، صرف نظر از جهت علمی و آکادمی، این است که افرادی در مسائل خارجی تربیت شوند که بتوانند دولت و دستگاههای عمومی و خصوصی را در مراحل تصمیم گیری و مسائل مربوط به امنیت و روابط آنها با دنیای خارج، کمک نمایند.

امروزه در تمام کشورهای پیشرفته جهان واحدهای خصوصی و دستگاههای دولتی در قسمت روابط بین المللی خود اشخاصی را که در علم روابط بین الملل تخصص یافته اند مورد استفاده قرار میدهند. متخصصین روابط بین الملل در واقع بمنزله «مغزهای اصلی» دستگاههای تصمیم گیری در مسائل بین المللی و روابط خارجی بشمار آمده اند. در تمام کشورهای پیشرفته جهان اکثریت قریب باتفاق مشاورین رهبران و رؤسای دولتها در مسائل خارجی و همچنین سفرا و نمایندگان کشورها در مجامع بین المللی افرادی هستند که اطلاع کامل و تخصصی در مسائل بین المللی داشته و در این فن تربیت شده اند زیرا کوچک شدن دنیا بجهت توسعه خارق العاده و وسائل ارتباطی از یک طرف (که این پدیده و نمود اجتماعی موجب شده است هیچ واحد سیاسی نتواند مستقلاً و بدون داشتن ارتباط با دنیای خارج به زندگی سیاسی موفق ادامه داده و منافع داخلی و خارجی خود را بدون برقراری روابط دیپلماتیک با سایر کشورها تحصیل نماید) و پیچیدگی مسائل خارجی و بین المللی بویژه بعد از جنگ جهانی دوم (که این پیچیدگی نیز مولود جنگ سرد و بهم خوردن تفاهم بین المللی بین کشورهای بزرگ، ظهور سلاح های اتمی و توسعه اسلحه قاره پیمان و خطر دائمی جنگ اتمی، اتکاء اقتصادی کشورها و عدم تعادل بین آنها و تزاید استقلال کشورها و عدم برابری آنها و غیره میباشد) از طرف دیگر، قبول مسئولیت در مشاغل را که

بنحوی از انحاء مربوط به مسائل بین‌المللی و روابط خارجی است، بدون داشتن اطلاعات تخصصی و تربیت ویژه در مسائل بین‌المللی و خارجی، با اشکالات و اشتباهات جبران‌ناپذیری روبرو خواهد کرد. از این جهت است که مراکز مطالعات بین‌المللی و مسائل خارجی در تمام جهان وظیفه اساسی و هدف اصلی خود را متوجه تربیت افرادی نموده‌اند که می‌خواهند در آینده نزدیکی در وزارت خارجه، سفارتخانه‌ها و مراحل تصمیم‌گیری و مشاوره در دستگاه‌های دولتی و یاد در قسمت روابط بین‌المللی واحد‌های دولتی و سازمان‌های خصوصی وارد شده و قبول مسئولیت نمایند.

برای روشن شدن مطلب فرض می‌کنیم شخصی از طرف کشور الف به کشور ب اعزام گشته تا منافع مملکت الف را در کشور ب حفظ نماید. بدیهی است که چنین شخصی باید دارای اطلاعات وسیع و جامعی راجع به رفتارها و عادات سیاسی، ایده‌ئولوژی مملکت، مراحل تصمیم‌گیری، احزاب سیاسی و گروه‌های ذینفوذ و کلیه عوامل مؤثر در تعیین سیاست داخلی و خارجی و همچنین وابستگی‌های کشور ب را بقرارداد‌های نظامی، سیاسی و سازمانهای ناحیه‌ای و بین‌المللی، داشته باشد زیرا پدیده‌های فوق از جمله عوامل عمومی و انگیزه‌های اصلی رفتار دیپلماتیک کشورها در صحنه بین‌المللی میباشد.

افرادی که بنحوی از انحاء در مراحل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی درگیر و نقش سازنده و خلاقیتی در روابط دیپلماتیک کشور دارند باید قبل از هر چیز اطلاع کامل و دقیقی راجع به عوامل عمومی مؤثر در تعیین سیاست خارجی کشورها و تصمیم‌گیری، قراردادهای سیاسی، نظامی، سازمان‌های بین‌المللی و ناحیه‌ای و همچنین سیستم موجود در صحنه بین‌المللی (و یا ناحیه مربوطه) و مسائل مربوط به «امنیت» داشته باشند.

اهمیت روزافزون رشته روابط بین‌الملل در دنیای امروز غیر قابل انکار است Dahl که از برجسته‌ترین صاحب‌نظران و محققان علم سیاست در عصر حاضر بشمار میرود در یک مقاله اساسی تحت عنوان «علم سیاست چیست» اظهار میدارد که در علم

سیاست از پنج پدیده ذیل بیش از پدیده‌های دیگر بحث می‌گردد و در واقع مطالعه علم سیاست عبارت است از مطالعه علمی و سیستماتیک این پدیده‌ها.

۱- رفتار افراد و رهبران در سیاست و مطالعه احزاب سیاسی.

۲- گروه‌های ذینفوذ.

۳- سازمانهای دولتی.

۴- سیستمهای مختلف و اندیشه‌های سیاسی.

۵- روابط بین الملل.

Dahl بعد از تشریح و تفسیر هریک از مسائل فوق درباره روابط بین الملل اظهار میدارد که این رشته در دنیای امروز آنقدر مورد اهمیت است که باید آنرا در واقع هسته مرکزی و اساسی علم سیاست به حساب آورد. (۱)

از آنچه که گفته شد روشن می‌گردد که متخصصین روابط بین الملل و مسائل خارجی - بویژه بعد از جنگ جهانی دوم - چه نقش حساس و خطیری را بعهده گرفته و به حکم ضرورت شرایط بین المللی و زمانی چه وظیفه مهم و سنگینی به آنها محول گردیده است. از طرف دیگر نیز معلوم شد که حقوق یا تاریخ و اسایر رشته‌ها آنطور که باید نمیتوانند تصمیم گیرندگان سیاست خارجی و بازیگران اصلی نمایشنامه سیاست بین المللی را در عصر اتم، جنگ سرد و جهان دویلوکی کمک مؤثری نمایند زیرا در

۱- «What is Political Science» بقلم Dahl, Robert در کتاب

American Politics and Government.

گردآورنده: Stephen, Bailey نیویورک: Basic Books, Inc.، سال ۱۹۶۵ صفحات

۱-۱۹

ملاحظه: Dahl درباره اهمیت روابط بین الملل عبارت ذیل را اظهار میدارد:

Imust discuss one other focus of polittical science that is so painfully important to all of us that it might even be placed at the center of the stage. I have in mind. of course, the relationships among political systems, that is, Insernational Relat'ons.

دنیای امروز که همه شئون زندگی در صحنه سیاست بین‌المللی تحت الشعاع مسائل مربوط به قدرت، جنگ سرد، ایده نولوژی، ناسیونالیسم، خطر دائمی جنگ اتمی، افزایش سرسام‌آور جمعیت و گرفتاری‌های اقتصادی کشورهای جهان سوم و بالابردن سطح زندگی مردم قرار گرفته، دیگر حقوق و یا تاریخ (مثلاً) نه می‌تواند اینگونه مسائل را کاملاً توجیه و تشریح نماید و نه قادر به تخفیف و یا حل و فصل آنان خواهد بود. و همانطور که Quincy Wright محقق معروف آمریکائی عقیده دارد:

International law always remains subordinate to international politics.

از اینروست که با توجه به دلایل فوق‌مشارین دولتها در امور خارجی و امنیت مملکتی و بین‌المللی و همچنین سفرا، دیپلماتها و کارمندان عالی‌رتبه وزارت خارجه را باید از متخصصین روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها انتخاب نمود. این روشی است که اکنون در اکثر ممالک پیشرفته دنیا معمول و متداول است.